

پس برجام

چشم به قدرت منطقه‌ای ایران

مؤلف: مصطفی باباجانی



موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور
Andisheh Sasan-e Noor
Institute for Studies

تهران - فروردین ۱۳۹۶

سرشناسه	: باباجانی، مصطفی، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	: پس برجام؛ چشم به قدرت منطقه‌ای ایران / مصطفی باباجانی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۶ ص.
شابک	: 978-600-8438-16-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیفا
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: برنامه جامع اقدام مشترک، ۲۰۱۵م، ۱۴ ژوئیه
موضوع	: Joint Comprehensive Plan of Action, 2015 July 14 :
موضوع	: انرژی اتمی -- ایران -- سیاست دولت
موضوع	: Nuclear energy -- Government Policy -- Iran :
موضوع	: قدرت (علوم اجتماعی) -- ایران
موضوع	: Power (Social Sciences) -- Iran :
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۰ پ ۲ ب / ۵۶۷۵ KZ
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۱ .۷۴۷۰ ۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲, ۳۴,۹۹ :

www.asnoor.ir
Email:info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور



نام کتاب: پس برجام؛ چشم به قدرت منطقه‌ای ایران

نویسنده: مصطفی باباجانی

ویراستار: مجتبی بهرامی

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان

طراح جلد: جواد حسین‌خانی

چاپ و صحافی: نقش رنگ خجستگان

نوبت چاپ: اول - فروردین ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

سخن ناشر

توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ که به برجام معروف است، یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین مذاکرات تاریخ دیپلماسی به شمار می‌آید. بخش مهمی از پیچیدگی حین توافق به رویکرد غرب در قبال برنامه هسته‌ای ایران برمی‌گردد؛ زیرا کشورهای غربی به رهبری ایالات متحده آمریکا طی یک برنامه بلندمدت و حساب‌شده، به ایران هراسی هسته‌ای دست زدند و برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را به برنامه‌ای تهدیدآمیز تبدیل و هدف آن را دستیابی به تسلیحات اتمی عنوان کردند.

به هر روی غرب در یک فرایند پرحیث، موفق به بزرگ‌نمایی تهدید هسته‌ای ایران شد. این امر زمینه را برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه تهران فراهم کرد. در نهایت ایران و گروه ۵+۱ طی مذاکرات پیچیده، به توافقی دست یافتند که از یک سو محدودیت‌هایی بر برنامه‌های هسته‌ای ایران اعمال می‌کرد و از سوی دیگر، به رفع تحریم‌های ناعادلانه علیه ایران منجر می‌شد.

با این حال گذر زمان نشان داد که به‌رغم پایبندی ایران به تعهدات خود، حاکمان غربی به ویژه آمریکایی‌ها هرگز به پیمان و تعهدات خود عمل نکردند. این در حالی بود که هم‌زمان از شکل‌گیری برجام‌های دو و سه در خصوص مسائل منطقه‌ای برنامه‌های موشکی و مسائل داخلی ایران صحبت به میان می‌آمد. بر این اساس آمریکایی‌ها تلاش می‌کردند مدل مذاکراتی برجام را به سایر حوزه‌ها نیز تسری دهند که این امر با هوشیاری و هوشمندی مقام معظم رهبری ناکام ماند.

با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع و تأثیری که تکرار مدل برجام می‌تواند بر قدرت منطقه‌ای ایران داشته باشد، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور در راستای اهداف مطالعاتی خود، به انتشار کتاب «پس برجام؛ چشم به قدرت منطقه‌ای ایران» مبادرت ورزیده

است. در کتاب حاضر، مسئله برجام هسته‌ای و قدرت منطقه‌ای ایران به صورت توأمان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

بر این اساس کتاب حاضر نشان می‌دهد که فشار بر برنامه هسته‌ای ایران و سرانجام الگوی مذاکراتی برجام، همگی در راستای تضعیف و مهار قدرت منطقه‌ای ایران در فضای بین‌المللی صورت گرفته‌اند. همچنین کتاب بیانگر نتایج مدل مذاکراتی برجام و تسری آن به سایر مسائل از جمله مسائل منطقه‌ای، قدرت نظامی و مباحث داخلی ایران است. امید است مطالعه کتاب حاضر، تصویر روشن و صریحی از مقاصد و نیات غرب به‌خصوص آمریکا علیه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و راه‌های مختلف مهار و تضعیف آن ارائه نماید.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

فروردین ۱۳۹۶

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: انقلاب اسلامی، نظام بین الملل و ایران هراسی
۱۷	۱. انقلاب اسلامی
۱۸	۱-۱. مفهوم انقلاب اسلامی
۲۰	۱-۲. پیام انقلاب اسلامی
۲۱	۱-۳. اصول، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی
۲۴	۱-۴. سبب‌ها، انقلاب اسلامی
۲۵	۲. انقلاب اسلامی و نظام بین الملل
۲۵	۲-۱. نظام بین الملل و انقلاب اسلامی
۲۹	۲-۲. انقلاب اسلامی و نقد نظام بین الملل
۳۱	۲-۳. انقلاب اسلامی و نقش قدرت‌محور
۳۶	۳. ایران هراسی؛ رویکرد غرب در قبال انقلاب اسلامی
۳۷	۳-۱. ایران هراسی و انقلاب اسلامی
۴۳	۳-۲. امواج ایران هراسی
۴۹	فصل دوم: برجام هسته‌ای؛ از اقدام تا عمل
۵۱	۱. توافق برجام
۵۲	۱-۱. آغاز فعالیت هسته‌ای ایران
۵۴	۱-۲. فعالیت هسته‌ای ایران بعد از انقلاب اسلامی
۵۹	۱-۳. پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت
۶۰	۱-۴. دستیابی به توافق برجام
۶۴	۱-۵. سناریوهای پیش رو
۶۶	۲. پیامدها و نتایج برجام
۶۶	۲-۱. بدعهدی آمریکا
۷۱	۲-۲. عدم حل مشکلات کشور
۷۷	۲-۳. زیاده‌خواهی‌های پس‌ابرجامی
۷۹	فصل سوم: چشم به قدرت منطقه‌ای ایران
۸۱	۱. محور مقاومت؛ کانون حملات دشمن
۸۲	۱-۱. انقلاب اسلامی و محور مقاومت

۸۴	۱-۲. پیروزی مقاومت
۸۸	۱-۳. محور مقاومت و بیداری اسلامی
۹۱	۲. برجام منطقه‌ای
۹۲	۲-۱. لبنان
۹۳	۲-۲. عراق
۹۵	۲-۳. سوریه
۹۶	۲-۴. یمن
۹۸	۲-۵. ابعاد و پیامدهای برجام منطقه‌ای
۱۰۵	فصل چهارم: پس‌برجام
۱۰۷	۱. دیدگاه‌ها و مدل‌های تئوراتی برجام
۱۰۷	۱-۱. دیدگاه‌های موجود
۱۰۹	۱-۲. مدل تئوراتی برجام
۱۱۱	۱-۳. نگاه واقع‌بینانه به برجام
۱۱۴	۲. برجام‌های آینده
۱۱۴	۲-۱. برجام موشکی
۱۱۹	۲-۲. برجام داخلی
۱۲۳	نتیجه‌گیری: فرجام پس‌برجام
۱۳۱	ضمائم
۱۳۳	ضمیمه ۱: متن بیانیه مشترک ایران و ۵+۱ در روز اجرای برجام
۱۳۵	ضمیمه ۲: متن کامل فرمان تاریخی رهبر معظم انقلاب اسلامی دربارۀ برجام خطاب به رئیس‌جمهور
۱۴۱	ضمیمه ۳: چالش‌های اجرای برجام به استناد گزارش‌های وزارت امور خارجه به مجلس
۱۶۳	منابع و مأخذ

مقدمه

مفهوم نظام بین‌المللی و ساختار نظام بین‌الملل، یکی از مفاهیم پرمناقشه در میان متفکرین روابط بین‌الملل است. برخی از متفکرین نوواقع‌گرا نظیر والتز، ساختار آنارشیک و غیرسلسله‌مراتبی، نظام بین‌الملل را اصلی‌ترین عامل در تعیین رفتار سیاست‌خارجی واحدهای تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی می‌دانند و برخی دیگر نظیر کوهن و جوزف نای با دیدگاه نولیبرالی خود علاقه بر نقش ساختار بر نقش نهادها تأکید می‌کنند. برخی دیگر چون الکساندر ونت، ساختار بین‌المللی را متشکل از ساختارهای مادی و بین‌الذهانی تلقی می‌کنند و برخی چون واکنش‌گرایان ساختار را فاقد اصالت می‌دانند. از طرفی اگر ساختار نظام بین‌الملل را معطوف به چگونگی توزیع قدرت میان بازیگران اصلی بدانیم، انقلاب‌ها واکنشی شدیداً اعتراضی به چگونگی توزیع قدرت در سطح بین‌المللی و جهانی محسوب می‌شوند و از این حیث، خواهان توزیع دوباره قدرت و برتری توازن جدیدی از نیروها در سطح بین‌المللی هستند. نظم بین‌الملل جهانی در دهه‌های اخیر دستخوش تحولات عدیده‌ای شده که همگی حاکی از نارضایتی بودن اکثر بازیگران بین‌المللی از وضع موجود و نظم مستقر است. ایدئولوژی‌های گذشته و حال، مطابق با نیازهای امروز، ناکارآمد و بسیاری از ملت‌ها در پی تغییرات اساسی هستند.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سقوط نظام دو قطبی جهان به همراه وقوع انقلاب اسلامی ایران را می‌توان مهم‌ترین وقایع قرن بیستم تلقی کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گفتمانی شکل گرفت که از سرچشمه‌های ناب اسلامی سیراب شده بود. گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه آموزه‌های اسلامی از همان ابتدا در نظام دو قطبی بین‌الملل با ترسیم آرمانی اسلامی، استکبارستیزی و ضد سلطه و شعار نه شرقی-نه غربی، نظم موجود را به چالش کشید. به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران به یکی از

مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل تبدیل شد که منافع قدرت‌های خواهان و حامی نظم بین‌الملل موجود و در رأس آن‌ها، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن را به چالش کشید. در نتیجه، با هر رویکردی که به نظام بین‌المللی نگاه شود، انقلاب اسلامی ایران برای ظهور و نشو و نما، چاره‌ای جز تقابل با نظام بین‌المللی مبتنی به زور و سلطه نداشته و ندارد؛ زیرا انگاره‌ها و ایده‌های اصلی انقلاب اسلامی، با هر دو قطب بین‌المللی در گذشته و نظام تک قطبی در حال افول فعلی، در تضاد قرار دارد. تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام ناعادلانه بین‌المللی به وقوع پیوست و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود، مغایرت داشت. آموزه‌های اسلام در مورد نظام بین‌الملل، اساس شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بر این اساس انقلاب اسلامی خصلت جریانی داشت و شعارهای آن بر نفی سلطه قدرت‌های بیگانه متمرکز بود. از طرفی، انقلاب اسلامی ایران گرچه در مرزهای سرزمینی ایران اتفاق افتاد اما در این مرزها باقی نماند و خود را به خارج از مرزهای جغرافیایی تسری داد. مهم‌ترین تأثیر این انقلاب مردمی در سطح منطقه خاور میانه، ایجاد هویتی نوین بود که ریشه در صدر اسلام داشت. این هویت نوین تحت عنوان «مقاومت اسلامی» شناخته می‌شود و به مرور بازیگران دولتی و غیردولتی را در عرصه منطقه‌ای به خود جلب کرده است. هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در تعامل با نظام بین‌الملل با جنگی هشت ساله مواجه شد که از سوی ساختارها و انگاره‌های نظام بین‌المللی به آن تحمیل شده بود. در جریان این جنگ، هویت انقلاب ملت ایران به طور کامل بعد مقاومتی خود را پیدا کرد و در جایگاهی شبیه به جایگاه مسلمانان صدر اسلام قرار گرفت. اگر مسلمانان صدر اسلام در محاصره و انواع فشارها و تحریم‌ها قرار داشتند، ایران انقلابی نیز در این دوران با انواع فشارها و تحریم‌ها مواجه بود. در جریان این جنگ سنگین هشت ساله، شکل‌گیری هویتی به نام مقاومت اسلامی که از دوران مبارزه با رژیم شاه شروع شده بود، تکمیل شد. در مرحله بعد، نوبت گفتمان انقلاب اسلامی بود تا بر نظام بین‌الملل تأثیر نهد و با صدور این تفکر به دیگر نقاط جهان اسلام، ساختار را دچار تغییر نماید. صدور تفکر مقاومت به مناطقی چون سوریه، لبنان و فلسطین و بالاخص مناطق شیعه‌نشین، توانست هویت جدیدی را در خاورمیانه ایجاد نماید که بدون هیچ تردیدی محصول مستقیم

انقلاب اسلامی ملت ایران بود.

تفکر مقاومت اسلامی، فراتر از دولت‌ها خود را به نمایش گذاشته و در بین مردم ریشه دوانده است. نظام اسلامی ایران بر پایه گفتمان انقلاب اسلامی، قلوب ملت‌های مظلوم و ستمدیده، به خصوص مردم فلسطین، لبنان، سوریه و سایر ملت‌ها را با نور هدایت اسلامی روشن ساخته است. در پرتو گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران در طول دهه‌های متمادی از یک کشور عقب‌مانده در دوران شاهنشاهی که وابسته به غرب و آمریکا بود به کشوری مستقل، قدرتمند و پیشرفته تبدیل شد. با هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه، جمهوری اسلامی ایران به بانفوذترین و قدرتمندترین کشور منطقه مبدل شد. در نظریات جریان غالب روابط بین‌الملل، بازیگران اصلی، دولت‌ها به حساب می‌آیند اما در به کار بستن اندیشه مقاومت اسلامی، هم دولت‌ها و هم بازیگران غیردولتی مشارکت داشته‌اند. دولت‌های ایران و سوریه، اصلی‌ترین بازیگران دولت‌ها، متحد به مقاومت اسلامی هستند و جنبش‌های حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین هم اصلی‌ترین بازیگران غیردولتی در این عرصه محسوب می‌شوند. بر پایه قدرت و عزت جمهوری اسلامی و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، در طی دو دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران با به چالش کشیدن بنیادهای ضد دینی غرب و رساندن پیام انقلاب اسلام به گوش ملت‌ها، به تدریج محوری از مقاومت ضد سلطه و ضد آمریکایی در منطقه به وجود آورد که اسرائیل غاصب را با چالشی اساسی روبرو کرد و سردمداران مرتجع کشورهای عربی از ترس سرنگونی به دامن غرب و آمریکا پناه بردند. در واقع آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود، انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است. نوع خاصی از نبرد در برابر دشمنان، در این نوع نگاه سیاسی - فرهنگی قابل شناسایی است که پیش از این در دوران مدرن، مسبوق به سابقه نبوده است. برای نمونه، هویت مقاومتی برآمده از انقلاب ایران، در یک نبرد طولانی مدت و با فرسایش توان رژیم صهیونیستی، منجر به آزادسازی جنوب لبنان شد. همین هویت در جنگ ۳۳ روزه توانست بزرگ‌ترین پیروزی تاریخ نبردهای اعراب و اسرائیل را برای اعراب به ارمغان آورد. از سوی دیگر، در جنگ‌های ۲۲ روزه و ۸ روزه، توان بسیار کمتر نظامی مقاومت اسلامی فلسطین، با اتکا به روش نظامی برگرفته از هویت مقاومتی، درسی به یاد ماندنی به حکام

صهیونیست داد. قدرت فزاینده جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نقش تعیین‌کننده آن در بحران‌های منطقه‌ای آشکار است.

طی چهار دهه‌ای که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، غرب به سرکردگی آمریکا، تمام تلاش خود را برای از میان برداشتن و یا حداقل تضعیف گفتمان انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران و قدرت منطقه‌ای آن که با محور مقاومت به اوج خود رسیده، به کار گرفته است. تحمیل جنگ هشت ساله، تحریم‌های ظالمانه، فتنه‌انگیزی خصمانه در منطقه تا تحریک سرکردگان جاهل عرب، همگی نمونه‌هایی از اقدامات غرب در راستای کم کردن قدرت جمهوری اسلامی بوده؛ به نحوی که تلاش و قیاحانه ایالات متحده آمریکا به غرب در خصوص ایجاد خلل در حرکت رو به جلوی نظام و ملت ایران هواره مداوم داشته است. در واقع از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران، تقابل مستقیم و جدی و آشکار و تکرار بر سر مسائل مختلف بین‌المللی وجود داشته است. این امر در سیاست‌های رؤسای جمهور آمریکا از جیمی کارتر به عنوان فردی که با دکترین حقوق بشر تا باراک اوباما با وعده تعامل با ایران وجود داشت. به نحوی که همه آنها بر روی میز بودن گزینه نظام علیه ایران تأکید کرده‌اند. در این میان جمهوری اسلامی با اتکا به قدرت و توان داخلی و تلاش‌های جوانان مؤمن انقلابی، فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای را طی دو دهه آغاز کرده است. غرب با هدف تضعیف انقلاب اسلامی با پروژه ایران‌هراسی، فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تبدیل به مناقشه‌ای بین‌المللی کرد و با تحریم‌های ظالمانه تمام تلاش خود را برای توقف یا محدود ساختن سرعت پیشرفت هسته‌ای ایران به کار گرفت. در نهایت پس از کش و قوس‌های فراوان مذاکرات چند ساله، مناقشه هسته‌ای ایران به توافق موسوم به «برجام» منتهی شد. در پی توافق ایران با کشورهای ۵+۱ بر سر فعالیت‌های هسته‌ای، عده‌ای با بدبینی و عده‌ای نیز با خوش‌بینی به این نگرسته‌اند که تا چه حد توافق برجام به نفع یا ضرر ایران است. باید این توافق با نگاهی دقیق از منظر حقوقی، سیاسی و نیز فنی بررسی شود و مورد مذاقه قرار گیرد. به‌خصوص که موضوع هسته‌ای ایران به لحاظ حقوقی، سیاسی و فنی الگوی مشابهی ندارد. به لحاظ حقوقی یکسری تعهدات با پیامدهای به ظاهر مثبت و در عمل منفی در آن دیده شده و از دیدگاه سیاسی نیز الزاماتی برای کشور ایجاد کرده است. به عبارت دیگر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران

تنها موضوعی است که هم‌زمان دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی روانی با پیامدهای داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه‌های مختلف است. بنابراین برجام به عنوان یک توافقی پیچیده، باید در سطح کلان و همه‌جانبه مورد تحلیل قرار گیرد. در این بین نکته‌ای که حائز اهمیت فراوان است، تلاش غرب برای تکرار برجام در حوزه‌های دیگر است که نتیجه آن می‌تواند شکست محور مقاومت و تبدیل ایران به کشوری و سازشکار با غرب باشد.

بر این اساس کتاب حاضر قصد دارد نیات نهفته در پس توافقی مانند برجام با وضعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه و قدرت گفتمان انقلاب اسلامی را از سوی کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا روشن سازد. از این‌رو مسئله اصلی در کتاب این است که با برآمدن انقلاب اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی، نظم نظام بین‌الملل به چالش کشیده شده است و استکبار جهانی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در موضع تخاصم قرار گرفته است. با قدرت گرفتن هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی، این حالت تخاصم، پیچیدگی‌ها، بیشتری پیدا کرده است. غرب برای کنترل جمهوری اسلامی ایران، پروژه ایرانهراسی را از همان ابتدای انقلاب اسلامی به راه انداخت و سپس با تبدیل موضوع فعالیت به سلاح‌آمیز هسته‌ای ایران به مناقشه‌ای بین‌المللی، مذاکرات و توافق برجام را رقم زد. با این حال، کتاب حاضر نشان می‌دهد که غرب و متحدان عربی آن برپایه پروژه ایرانهراسی سعی در تضعیف محور مقاومت دارند و با بحران‌سازی در منطقه، تلاش دارند جمهوری اسلامی ایران را به پای میز مذاکره بکشانند تا بر سر منافع خود به سازش و توافق از سطح برجام بپردازد. در واقع جبهه غربی - عربی قصد دارد توافق هسته‌ای موسوم به برجام را به آلتی برای مذاکره بر سر منافع منطقه‌ای ایران تبدیل کند. از این امر می‌توان با عنوان طاعن بلندمدت «پس برجام» یاد کرد که موجب تخلیه ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران می‌شود.

براین اساس کتاب حاضر در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول به انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل و ایرانهراسی می‌پردازد. در این فصل اشاره می‌شود که گفتمان انقلاب اسلامی چگونه نظام بین‌الملل را به چالش کشید و قدرت‌های استکباری این نظام به چه نحوی از طریق ایرانهراسی سعی در بزرگنمایی تهدید ایران در جهان و منطقه کردند. این فصل به عنوان مبانی نظری نشان می‌دهد که ایرانهراسی هسته‌ای،

ایران‌هراسی منطقه‌ای، ایران‌هراسی نظامی و... چگونه زمینه‌ساز ایجاد تصویری نادرست جهت اعمال فشار بیشتر بر تهران شود.

فصل دوم به برجام هسته‌ای اختصاص یافته که بررسی روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران و چگونگی تبدیل آن به یک مناقشه را بررسی می‌کند. در این فصل به توافق برجام و پیامدها و نتایج آن اشاره خواهد شد که حکایت از بدعهدی آمریکا، عدم حل مشکلات کشور و زیاده‌خواهی‌های پس‌برجامی دارد.

فصل سوم تحت عنوان «چشم به قدرت منطقه‌ای ایران» به این بحث می‌پردازد که قدرت ایران و محور مقاومت همواره در کانون حملات دشمن قرار داشته است. به نحوی که دشمن انقلاب اسلامی و محور مقاومت تلاش کرده‌اند از طریق راه‌های گوناگون، مسیر پیش‌روی آن را ناهموار سازند. به همین دلیل نیز به موازات طرح مسئله هسته‌ای ایران، پالش قدرت منطقه‌ای ایران و محور مقاومت را نیز مطرح کرده‌اند تا از این طریق تهدید برجام منطقه‌ای را نیز محقق کنند.

فصل چهارم به پس‌برجام اختصاص یافته است. در این فصل، مدل و نتایج برجام مورد بررسی قرار می‌گیرد، دیدگاه‌های موجود نزد موافقان و مخالفان برجام مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و نگاه رهبر انقلاب اسلامی به عنوان نگاهی واقع‌بینانه و دقیق به برجام مطرح می‌شود. همچنین در این فصل به برنامه‌های آینده نیز اشاره می‌شود که دست کم شامل دو برجام موشکی و برجام داخلی می‌شود. در نهایت کتاب حاضر با نتیجه‌گیری که به فرجام پس‌برجام اشاره دارد، پایان می‌پذیرد.